

سیاست های امام علی (علیه السلام) در برقراری عدالت اقتصادی با تأکید بر نهج البلاغه

محسن مرسلپور^۱

سعید جم^۲

چکیده

حکومت امام علی (علیه السلام) از نظر اقتصادی دوره عدالت‌ورزی بود. پس از ۲۵ سال از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) دریچه‌ای جدید در حکومت اسلامی و تلاشی سترگ در مبارزه با تبعیض‌ها و بازگشت به دوره رسول خدا گشوده شد. برخی دیدگاه‌های اقتصادی امام در نهج البلاغه بیان شده است. ایشان در مورد توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه در جامعه، سیاست‌های مختلفی در پیش گرفتند. مهم‌ترین اقدام اقتصادی ایشان، چگونگی پرداخت عطا‌های مسلمین بود. سیاست ایشان در دادن عطا بر توزیع بدون تبعیض، منجر به گسترش عدالت اقتصادی در جامعه و کاهش فاصله طبقاتی می‌شد. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع دست اول و تحقیقات تاریخی و با تأکید بر نهج البلاغه نوشته شده، درصدد بررسی سیاست‌های اقتصادی امام علی (علیه السلام) از نظر درآمد و هزینه است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر پایه عدالت محوری و در امتداد سیاست‌های اقتصادی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در جهت افزایش رفاه عمومی و کاهش شکاف اقتصادی بوده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (علیه السلام)، سیاست اقتصادی، عدالت اقتصادی، نهج البلاغه.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول). morsalpour@lihu.usb.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. Saeed.jam1370@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۵/۱۲/۰۳

درآمد

با رحلت پیامبر اسلام ﷺ و روی کار آمدن ابوبکر انحرافات در سیاست اقتصادی رسول خدا به وجود آمد. مهم‌ترین انحراف اقتصادی ابوبکر در مصداق خمس بود. او سهم ذوی القربی را به‌رغم اعتراض اهل بیت از دست آنان خارج و به موارد دیگر اختصاص داد (غفاری، ۱۳۸۸: ۸۶). در دوره عمر بن خطاب تشکیلات جدیدی به وجود آمد. عمر شاخصه‌هایی برای پرداخت عطا و سهم مسلمین از بیت المال در نظر گرفت و عملاً موجب فاصله طبقاتی شد. خلافت عثمان دوره بروز فسادهای بزرگ بود. این خلیفه با واگذاری امتیازاتی به برخی مسلمانان که عمدتاً از بستگان او یعنی امویان بودند، باعث بروز هرج و مرج در جامعه و ریشه‌دار شدن فساد شد که بخش زیادی از دوران حکومت امام علی علیه السلام به مبارزه با این فساد گذشت. در دوره سه خلیفه اول طبقه نواخته‌ای از اشراف پدید آمد که مانع از هرگونه عدالت اقتصادی می‌شدند. امام علی علیه السلام در چنین شرایطی به خلافت رسید. مهم‌ترین چالش حکومت ایشان بازگشت به سیاست اقتصادی پیامبر ﷺ بود.

در مقاله حاضر تلاش شده تا با مراجعه به مبادی ساحت اندیشگی تشیع، بخشی از خلأ نسبی نظری در باب عدالت اقتصادی جبران شود و با رویکرد توصیفی-تحلیلی مفهوم سیاست اقتصادی توأم با عدالت توسط امام علی علیه السلام تبیین شود؛ از این رو سیاست‌های اقتصادی حضرت علی علیه السلام بر پایه نهج البلاغه در دو بعد درآمدی و هزینه‌ای مورد بررسی قرار گرفت تا راهنمایی برای کسانی باشد که درصدد آشنایی با سیره علوی هستند. مضاف بر اینکه نویسندگان با این پژوهش قصد دارند الگوی مطلوبی را در زمینه سیاست اقتصادی مطرح کنند. سؤال اصلی پژوهش این است که سیاست‌های اقتصادی امام علی علیه السلام در چه حوزه‌هایی بوده است؟ در پاسخ به این سؤال مفروض اصلی این است که حضرت علی علیه السلام به دنبال عمران و آبادانی، رونق بازار، تسهیل تجارت، تقسیم برابر اموال بیت المال بین مسلمانان و از همه مهم‌تر مبارزه با فساد و تبعیض اقتصادی بودند.

پیشینه پژوهش

تحقیقاتی در موضوع سیاست‌های اقتصادی امام علی علیه السلام انجام گرفته که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به اینها اشاره کرد: علی اکبری (۱۳۹۰ش) در کتاب سیاست‌های مالی امام علی علیه السلام، سیاست‌های اقتصادی عدالت محور امام علی علیه السلام را بررسی کرده است. لطیفی (۱۳۸۱ش) در کتاب درس‌هایی از حفظ بیت المال در سیره عملی امام علی علیه السلام به رویکرد اقتصادی امام در تقسیم عادلانه بیت المال پرداخته است. معمار (۱۳۹۳ش) نیز در مقاله «تحلیل جامعه‌شناسی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی علیه السلام»، بر پایه رویکرد جامعه‌شناختی به مبحث عدالت در اندیشه‌های امام پرداخته است. این آثار چندان رویکرد تاریخی نداشته و تمرکز خود را بر نهج البلاغه نگذاشته‌اند.

تشکیل حکومت و ترسیم سیاست مالی عادلانه

امام علی علیه السلام برای احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله در مورد سیاست‌های اقتصادی تلاش بسیاری کردند. امام درباره انحراف اقتصادی جامعه اسلامی گفت: «تا آن‌که سومی به خلافت رسید. دو پهلوی از پرخوری باد کرد، همواره بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود، و خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پا خاستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد، عثمان آن قدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و کارهای او مردم را برانگیخت، و شکم بارگی او نابودش کرد» (خطبه ۳). امام برخلاف اشرافی‌گرایی عثمان، ساده‌زیست بودند. موقعی که امام وارد کوفه شدند در خانه خواهرزاده‌اش، جَعْدَه بن هُبیره سکونت کرد و حاضر نشد در کاخ کوفه اقامت کند (علی اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰۱). غذای ایشان بسیار ساده و عبارت از نان خشک و نمک و سرکه و گاهی اوقات روغن زیتون بود. لباس آن حضرت هم بسیار ساده بود که چون تنها همان لباس را داشت آن را می‌شست و در حالی که هنوز مرطوب بود می‌پوشید (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳: ۹۸/۱-۹۹). ایشان لباس ساده‌ای به چهار درهم خریدند ولی چون آستین آن بزرگ‌تر بود، نزد خیاطی رفتند تا مقدار اضافی آن را قطع کند (علی اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰۱). این در حالی بود که بیت المال مسلمین، به استثنای شام، در اختیار حضرت قرار داشت. اما ایشان از این‌که از بیت المال در امور شخصی زندگی استفاده کند، اکراه داشت. حضرت علی علیه السلام در دوران خلافتش از بیت المال برای خود و خانواده بیشتر از سهم مقرر برنمی‌داشت. زندگی‌شان بسیار ساده و در حد پایین‌ترین افراد جامعه بود. ایشان تأمین سطح معیشت مردم را مد نظر داشته و آن را جلوگیری از گرسنگی، برهنگی و تنگ‌دستی می‌دانست (چپرا، ۱۳۸۸: ۱۰۰). خودداری از استفاده شخصی از بیت المال شامل کوچک‌ترین مسائل هم می‌شد به طوری که وقتی طلحه و زبیر برای انجام کار شخصی شبانه نزد ایشان رفتند، شمعی را که از بودجه بیت المال تهیه شده بود خاموش کرده و شمعی را که از پول خودشان تهیه کرده بودند، روشن کردند. هم‌چنین عمروعاص هم برای کار شخصی به حضرت مراجعه کرد و وقتی که امام متوجه شدند کار او شخصی است شمع بیت المال را خاموش کرد و چون شب مهتابی بود در زیر نور مهتاب نشستند (علی اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰۳). وقتی حضرت به شهادت رسید، امام حسن (ع) اعلام کردند که علی علیه السلام به جز ۷۰۰ یا ۸۰۰ درهم چیز دیگری از خود باقی نگذاشت (طبری، ۱۳۷۵: ۶/۲۶۹۹). امام علی علیه السلام معتقد بود بیت المال متعلق به همه مسلمانان و وظیفه ایشان تقسیم عادلانه آن است. امام هم‌زمان با انتقال پایتخت حکومت اسلامی از مدینه به کوفه، بیت المال مرکزی را هم به کوفه منتقل کرد. این انتقال باعث شد که مقر بیت المال از نظر جغرافیایی هم وضع بهتری پیدا کند؛ تا بعد از فتح عراق، شام و ایران، ارتباط بیت المال مرکزی با بیت المال هر ولایت سریع‌تر انجام شود (غفاری، ۱۳۸۸: ۴۶). از ویژگی‌های انکارناپذیر حکومت امام علی علیه السلام برخورد با تبعیض، انحصارطلبی و رانت‌خواری بود. از

موضوعات مورد توجه حضرت علی علیه السلام، بازرسی و نظارت جدی بر بیت المال بود. ایشان نظارت بر بیت المال را از وظایف اصلی حاکم اسلامی دانسته و بر دخل و خرج بیت المال مستقیماً نظارت می کرد. ایشان از مأموران مالی درباره چگونگی جمع آوری و هزینه کرد بیت المال پرس و جو کرده و در صورت مشاهده تخلف با آنان برخورد و در مواردی شخص متخلف را برکنار می کرد. حضرت علی علیه السلام املاکی را که عثمان به بعضی از مسلمانان به تیول داده بود، پس گرفت (مسعودی، ۱۳۴۴: ۷۱۰/۱-۷۰۹). حضرت در دومین روزی که با ایشان بیعت شد، در مدینه خطبه خواند و گفت: «به خدا سوگند! بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم. گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است» (خطبه ۱۵). این وعده امام علی علیه السلام خیلی زود رنگ واقعیت به خود گرفته و ایشان تمام اموالی را که عثمان به عنوان پاداش و جایزه به جمعی از مسلمانان داده بود، پس گرفت. اقدامات حضرت به مصادره اموال برخی مسلمانان محدود نشد، بلکه اموال نامشروع خود عثمان مثل شمشیر و زره و شترهایی را که او از اموال زکات برای خود تصرف کرده بود، پس گرفت (علی اکبری، ۱۳۹۰: ۲۱۳). ایشان از تصرف اموال امانی نیز منع می کرد و معتقد بود با استفاده موقت از اموال ممکن است خللی در مال امانی ایجاد شود؛ یا اینکه امانت گیرنده به جای آن، مال مشابه یا جایگزینی بیاورد که ارزش مال برده شده را نداشته باشد. حضرت علی علیه السلام همواره نفع اکثریت جامعه را بر نفع اقلیت ترجیح می داد. امام به قدری مراقب بیت المال مسلمین بود که هزینه های غیر ضروری هر چند اندک را هم منع کرده و کارگزاران خود را به آن امر می کرد؛ چنان که در نامه ای به زیاد بن ابیه کارگزار فارس نوشت: «ای زیاد! از اسراف بپرهیز، و میانه روی برگزین، از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار، و زیادی را برای روز نیازمندی در آخرت پیش فرست» (نامه ۲۱). ایشان حتی به کارگزارانشان دستور دادند که در نوشتن نامه ها خطوط را به هم نزدیک کرده و به مطالب ضروری اکتفا کنند و از درشت نوشتن بپرهیزند تا در بیت المال اسراف نشود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۵/۴۱؛ رضایی دوانی، ۱۳۸۹: ۵۴). البته حضرت علی علیه السلام فقط به تشویق کارگزارانشان اکتفا نکرد و خود در این امر پیش قدم بود؛ به طوری که در نامه ای خطاب به عثمان بن حنیف انصاری فرماندار بصره که به مهمانی یکی از سرمایه داران بصره رفته بود، پس از سرزنش او، فرمود: «آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است؛ پس سوگند به خدا! من از دنیای شما طلا و نقره ای نیندوخته، و از غنیمت های آن چیزی ذخیره نکرده ام؛ بر دو جامه کهنه ام جامه ای نیفزودم، و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم. من اگر می خواستم، می توانستم از شهدای پاک، و از مغز گندم، و بافته های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم؛ اما هیئات که هوای نفس بر من چیره شود، و حرص و طمع مرا وادارد که طعام های لذیذ برگزینم؛ در حالی که

در حجاز یا یمامه کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پُشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد» (نامه ۴۵).

امام علی (ع) با اشکال مختلف تبعیض مقابله کردند. ایشان سعی کرد عوامل و ریشه‌های تبعیض را از بین ببرد؛ به همین رو حتی با خویشاوندانشان هم برخوردی عادلانه داشتند؛ در حدی که نزدیک بود دست دخترشان را به سبب خطایی کوچک قطع کنند (طبری، ۱۳۷۵: ۲۶۹۸/۶). رفتار امام با برادرشان عقیل که در پاسخ به درخواست او برای پرداخت بدهی‌اش از بیت المال، آهن گذاخته به بدن او نزدیک کرده و هم‌چنین درخواست برادرزاده و داماد حضرت یعنی عبدالله بن جعفر که به علت فقر خانواده‌اش از ایشان سهمی از بیت المال تقاضا کرده بود و خودداری حضرت از امتیازدهی به آنان، نمونه‌هایی از عدالت‌ورزی امام علی (ع) بود. مورد دیگر اینکه عبدالله بن زمعه از یاران و شیعیان حضرت نزد ایشان آمد و مالی درخواست کرد. امام به او گفت: «این اموال که می‌بینی، نه مال من و نه از آن توست، غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است، که با شمشیرهای خود به دست آوردند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی، وگرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود» (خطبه ۲۳۲).

سیاست عدالت‌محور امام علی (ع) در مورد درآمدهای حکومت

۱- کسب غنائم

سیاست امام علی (ع) در مورد کسب و تقسیم غنائم با خلفای پیشین متفاوت بود. ایشان برخلاف خلفای پیشین اجازه نمی‌دادند سپاهیان همه اموال شکست‌خوردگان را از آنها بگیرند. هنگامی که معاویه، بسر بن ابی‌ارطاه را برای حمله به مدینه و مکه و یمن فرستاد، حضرت علی (ع) هم جاریه بن قدامه سعدی و وهب بن مسعود خثعمی را با ریاست جاریه فرستاد. امام در آن نامه به جاریه نوشتند: «جز با کسی که با تو نبرد کند نبرد مکن، و چارپایی را به زور مگیر؛ اگر چه خود و همراهانت پیاده‌روی کنید، آب‌های مردم را به خود اختصاص مده و جز مازاد ایشان را به رضای خاطر ایشان میاشام و بر مرد و زن ذمی ستم مکن و خون را به حق بریز و به حق حفظ کن و هر کس توبه کند توبه‌اش بپذیر» (یعقوبی، بی‌تا: ۱۱۰/۲).

امام علی (ع) فقط غنائمی که در اردوگاه به دست می‌آمد، بین جنگجویان تقسیم می‌کرد و از تقسیم اموالی که در خیمه‌ها بود، جلوگیری می‌کرد. این سیاست در همه جنگ‌ها به کار گرفته شد. در جنگ نهروان ایشان دستور داد آن‌چه که در اردوگاه هست را بردارند و سلاح و مرکب و لوازم جنگ را در بین مسلمانان تقسیم کنند و دیگر لوازم را به صاحبانش پس بدهند (طبری، ۱۳۷۵: ۲۶۱۴/۶).

۲- مالیات‌ها

جزیه: مهم‌ترین هدف حضرت علی (ع) برای دریافت جزیه مهربانی و مدارا نسبت به اهل ذمه و رعایت حال جزیه پردازان بود. ایشان برای راحتی اهل کتاب در پرداخت جزیه‌شان اجازه می‌دادند که صاحبان هر شغلی از تولیدات خود به عنوان جزیه بپردازند، تا مجبور نباشند آن را تبدیل به پول نقد کنند (ابی عبید، ۱۴۳۰: ۶۲). امام کارگزاران خود را از این‌که به جای بدهی جزیه و خراج اموال دیگر آنان را بگیرند منع کرد و به آنان دستور داد: «برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی، مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید، و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی، نمازگزار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است، دست‌اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود؛ زیرا برای مسلمان جایز نیست آنها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد، تا از سپاه اسلام نیرومندتر شوند» (نامه ۵۱). با این وجود امام علی (ع) همان‌طور که در مقابل هر کسی که از پرداخت اموال واجب خود امتناع می‌کرد واکنش نشان می‌داد، در مقابل عدم پرداخت جزیه هم کوتاه نمی‌آمد.

خراج: امام برای خراج اهمیت زیادی قائل بوده و به کارگزاران خود هم دستور داد تا به امر خراج رسیدگی کنند. به مالک اشتر دستور داد که خراج را طوری بررسی کند که صلاح خراج دهندگان باشد. علی (ع)، مالک را به مدارا با خراج دهندگان فراخواند و فرمود اگر مردم از سنگینی خراج و یا مشکلات به وجود آمده در کشاورزی‌شان شکایت کردند، در گرفتن خراج به مقداری که امورشان سر و سامان گیرد تخفیف دهد و هرگز از این تخفیف نگران نباشد، چون عدالت‌ورزی او باعث خشنودی مردم خواهد شد (نامه ۵۳). حضرت علی (ع) در خراج اصلاحاتی کرد و مقدار خراج را بر حسب کیفیت و نوع محصول، کیفیت آبیاری و ویژگی‌های زمین تعیین کرد. ایشان مقدار خراج هر جریب زمین کشاورزی را بر اساس مرغوبیت آن، دو سوم و یک سوم درهم قرار داده و بر اراضی گندم خوب هر جریب یک دوم درهم و بر اراضی کم حاصل یک سوم درهم قرار دادند (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۱۱/۱۶؛ رضایی دوانی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). هم‌چنین زمینی که زیر کشت جو بود از هر جریب آن به اندازه نصف خراج گندم، از هر جریب نخلستان ده درهم، از هر جریب تاکستان به شرطی که محصول داده باشد هم ده درهم خراج وضع شد و سایر محصولات معاف از خراج بودند (صدر، ۱۳۷۴: ۹۷). علاوه‌بر این در میزان خراج دریافتی دوری و نزدیکی زمین از رودخانه و از بازار فروش هم مؤثر بود (دنت، ۱۳۵۸: ۵۸). به‌رغم مدارای امام علی (ع) با خراج دهندگان اما ایشان با کسانی که قصد نداشتند خراج بدهند، مقابله می‌کرد. به‌عنوان مثال در سال ۳۸ وقتی گروهی از مردم فارس از دادن خراج خود طفره رفته و خواستند خراج ندهند، حضرت علی (ع) به ابن عباس دستور داد که زیاد بن ابیه را به آنجا بفرستد. زیاد به فارس رفت و طغیان‌گران را سرکوب کرد و خراج آنان را گرفت (طبری، ۱۳۷۵: ۲۶۵۷/۶).

زکات: امام علی (علیه السلام) در دریافت زکات مانند سایر مالیات‌ها به پرداخت‌کنندگان آن سخت نمی‌گرفت. حضرت در خطبه‌ای در مورد زکات فرمود: «پرداخت زکات، عامل نزدیک شدن مسلمانان به خداست، پس آن کس که زکات را با رضایت خاطر بپردازد، کفاره گناهان او می‌شود، و بازدارنده و نگهدارنده انسان از آتش جهنم است، پس نباید به آنچه پرداخته، با نظر حسرت نگاه کند، و برای پرداخت زکات افسوس بخورد، زیرا آن کس که زکات را از روی رغبت بپردازد، و انتظار بهتر از آنچه را پرداخته داشته باشد، به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نادان است، و پاداش او اندک، و عمل او تباه و همیشه پشیمان خواهد بود» (خطبه ۱۹۹). ایشان برای جمع‌آوری زکات، مأمورینی به نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی فرستاده و اصول لازم را برای آنان ترسیم کرد. حضرت در نامه‌ای به یکی از مأموران جمع‌آوری مالیات فرمود که انتخاب مال را برعهده زکات دهنده بگذارند و سخت‌گیری نکنند. از نظر امام مأمور زکات باید در برخورد با مردم مهربان بوده و رضایت خاطر آنان را جلب کند، بدون این‌که باعث ترس صاحب مال شود به نزد او برود، به صاحب مال یادآور شود که زکات حق الهی در اموال او است، به حرف مردم اعتماد کند و اگر گفتند زکاتی بر گردن آنان نیست، بپذیرد (نامه ۲۵). امام علی (علیه السلام) سعی کرد با شیوه‌های مختلف مردم را به پرداخت زکات مالشان ترغیب کند. حضرت پرداخت کردن زکات را موجب تقویت روح خضوع در انسان می‌دانست و خود نیز در دادن زکات پیش قدم بود. در قرآن (مائده/۵۵) به زکات (انگشتر) دادن امام علی (علیه السلام) به یک مستمند اشاره شده است. ایشان زکات را عامل نزدیکی مسلمانان به حق و وسیله ارتباط و دوستی با یکدیگر دانست. امام در خطبه‌ای در نهج البلاغه فلسفه واجب شدن زکات را این‌گونه معرفی کرد: «خداوند بندگان را با نماز و زکات و تلاش در روزه‌داری در روزهایی که واجب شده، حفظ کرده است، تا اعضا و جوارحشان آرام، و دیدگانشان خاشع، و جان و روانشان فروتن، و دل‌هایشان متواضع باشد، کبر و خودپسندی از آنان رخت بربندد، چرا که پرداخت زکات، برای مصرف شدن میوه‌جات زمین و غیر آن، در جهت نیازمندی‌های فقرا و مستمندان است» (خطبه ۱۹۲). ایشان به قدری به زکات اهمیت می‌داد که آن را به‌مثابه پل اسلام دانسته و می‌گفت کسی که زکاتش را بپردازد از پل می‌گذرد ولی کسی که زکات ندهد در پل خواهد ماند (صادقی، ۱۳۸۱: ۴۰). امام علی (علیه السلام) تأکید داشت که مسلمین باید زکاتشان را به حکومت بپردازند تا توزیع آن توسط حکومت برنامه‌ریزی شود. ایشان پرداخت زکات به دشمنان مسلمین را هم ممنوع کرد. مورد دیگری که درباره سیاست حضرت در جذب زکات می‌توان به آن اشاره کرد در مورد وضع زکات بر مواردی بود که زکات واجب به حساب نمی‌آمد. زکات در زمان رسول خدا بر ۹ مورد واجب شد اما در دوره حکومت حضرت علی (علیه السلام) به دلیل هرج و مرج آن روزگار و گسترش فقر، این موارد برای تأمین نیازهای فقرا و نیازمندان کافی نبود. ایشان بر اسب‌های عربی سالانه دو و بر اسب‌های غیر عربی یک دینار زکات وضع کرد در حالی که زکات بر اسب جزو موارد زکات مستحبی محسوب می‌شد.

۳- هزینه کرد عادلانه بیت المال

عدالت امام علی علیه السلام در مورد اموال مسلمین در هزینه کردن آن بیشتر تجلی داشت. بخش عمده سیاست هزینه‌ای ایشان مربوط به دادن عطا به مسلمین از بیت المال بود. ایشان در روز بیعتشان بر منبر رفته و گفت: «بی نظر شما کاری نمی‌کنم، بدانید که کلیدهای اموال شما با من است اما بی نظر شما یک درهم از آن نمی‌گیرم» (طبری، ۱۳۷۵: ۲۳۲۸/۶). همچنین در خطبه ۳۷ نهج البلاغه ایشان عدالت محوری خود را این‌گونه شرح داد: «ذلیل‌ترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم، و نیرومند در نظر من پست و ناتوان است تا حق را از او باز ستانم». در زمان خلفای دوم و سوم عطایای مسلمین به صورت برابر داده نمی‌شد. یعنی این‌که در دوره خلیفه دوم دادن عطا بر اساس مسائلی مثل دوری و نزدیکی به پیامبر صلی الله علیه و آله، سابقه افراد در اسلام و شرکت آنها در جنگ‌ها صورت می‌گرفت. در زمان خلیفه سوم وضع بدتر شد و خلیفه دست بستگان خود یعنی امویان را در بیت المال باز گذاشت که باعث سوء استفاده آنان از این موقعیت و تصرف اموال عموم مسلمین شد. اما با آغاز حکومت حضرت علی علیه السلام این تبعیض بر طرف و تقسیم بیت المال همانند زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت مساوی بین همه مسلمانان انجام شد (ابی عبید، ۱۴۳۰: ۳۷۳-۳۷۶). زنی قریشی که متوجه شد عطای او با کنیزی برابر است به امام شکایت کرد. امام با خواندن آیه ۱۳ سوره حجرات که در آن تنها ملاک برتری انسان‌ها نزد خدا تقوا ذکر شده، به آن زن قریشی فهماند که سهم همه در بیت المال برابر است (مفید، ۱۴۱۳: ۱۵۱؛ لطیفی، ۱۳۸۱: ۱۹). امام حتی هم‌نشینی با پیامبر صلی الله علیه و آله را در دادن عطا مؤثر ندانست. ایشان علاوه بر مسلمانان، برای غیر مسلمانانی که دچار فقر و از کار افتادگی بودند، مقرری وضع کردند. عدالت حضرت در دادن عطا و به‌ویژه جلوگیری از زیاده‌خواهی عده‌ای از صحابه و نزدیکان عثمان باعث مخالفت آنان با ایشان و شورش علیه این عدالت محوری شد. ایشان در مقابل درخواست عده‌ای که خواهان اختصاص سهم بیشتری از بیت المال بودند، فرمود: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم و شب و روز برقرار است، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به-گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد به این‌که اموال خداست! آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد. در میان مردم ممکن است گرمی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است» (خطبه ۱۲۶). این سیاست یعنی ندادن امتیاز برای موافق کردن افراد با خود نموده‌های دیگری هم داشت به طوری که ابن عباس که پسر عمو و از مشاورین امام بود نزد ایشان رفت و عرض کرد که طلحه و زبیر به دنبال ریاستند، برای همین حکومت کوفه و

بصره را به آنان واگذار کنید و گر نه آنان شورش خواهند کرد. حضرت گفت اگر آنان را به این سمت‌ها بگمارند، افراد بی‌ایمان را بر سر کار آورده و با میدان دادن به آنها ضعفا را تحت فشار قرار داده و بر قدرت قدرت‌مندان خواهند افزود و با این کار منابع مالی و انسانی کوفه و بصره را نابود خواهند کرد. البته دادن سهم بیشتر به اشراف برای جلب قلوب آنان در زمان رسول خدا سابقه داشت ولی عطایی که پیامبر ﷺ از غنایم جنگ حنین به قریش داد، برای جلب آنان به اسلام بود در حالی که در زمان امام علی (ع) بحث بر سر مسلمانی و نامسلمانی نبود. در زمان رسول خدا خطر ضربه خوردن به اصل دین نوپید اسلام وجود داشت ولی در زمان حضرت علی (ع) ریشه‌های دین اسلام به‌رغم بدعت‌های وارد شده در آن محکم شده بود. البته امام از اموال خود به نزدیکانشان می‌بخشید و دیگران را نیز به این کار فرا می‌خواند. ایشان در مورد بخشیدن مال به دیگران فرمود: «آن کس که از بخشش در راه خدا بخل می‌ورزد! آن کس که خدا او را مالی بخشد، پس باید به خویشاوندان خود بخشش نماید، و سفره مهمانی خوب بگستراند، و اسیر آزاد کند، و رنج‌دیده را بنوازد، و مستمند را بهره‌مند کند، و قرض وامدار را بپردازد، و برای درک ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق دیگران، و مشکلاتی که در این راه به او می‌رسد شکیبیا باشد، زیرا به دست آوردن صفات یاد شده، موجب شرافت و بزرگی دنیا و درک فضایل سرای آخرت است» (خطبه ۱۴۲).

امام تلاش کرد تا به کارگزاران خود نیز رعایت حقوق مردم و پرهیز از دنیاطلبی را بیاموزد. ایشان بعد از به دست گرفتن خلافت در نامه به فرماندهان لشکر فرمود: «همانا ملت‌ها پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان جهت که حق مردم را نپرداختند، پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند، و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند» (نامه ۷۹). امام علی (ع) به کارگزاران خود دستور داد تا در تقسیم بیت المال اطرافیان خود را مقدم نداشته و تبعیضی قائل نشوند تا زمینه سوء استفاده اطرافیان فراهم نشود. ایشان در نامه به مالک اشتر می‌نویسد: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان؛ به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمینی را واگذار مکن؛ به‌گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع یا زراعت مشترک که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند» (نامه ۵۳). تقسیم مساوی بیت المال توسط حضرت علی (ع) فقط شامل حال مسلمانان نبود بلکه ایشان در این مورد به خود و خانواده‌شان بیشتر سخت می‌گرفت. ایشان هر وقت در بیت المال را باز می‌کرد تا آن را تقسیم کند می‌فرمود: «ای سرخ و سفیدها، دیگری را فریب دهید و منظورشان طلاها و نقره‌ها بود» (ابی عبید، ۱۴۳۰: ۲۸۴-۲۸۵).

مصارف بیت المال در حکومت حضرت علی علیه السلام به دو دسته کلی تقسیم می‌شد: ۱- مصارف اداری ۲- مصارف عمومی. هر کدام از این مصارف زیر مجموعه‌های مختلفی داشت. مصرف اداری شامل مواردی از این قبیل بود: ۱- حقوق کارمندان: حضرت علی علیه السلام به این امر توجه ویژه‌ای داشت و به کارگزاران خود هم سفارش می‌کرد تا به کارمندان خود توجه کنند. ایشان در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر فرمود: «سپس روزی فراوان بر کارمندان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (نامه ۵۳).

۲- حقوق حاکم: خود حاکم هم می‌تواند مانند کارگزاران تا جایی که هزینه‌های ضروری زندگی - اش تأمین شود از بیت المال حقوق دریافت کند. حضرت علی علیه السلام هم به این نکته توجه داشته و استفاده حاکم از بیت المال را البته فقط در حد رفع نیازهای ضروری زندگی مجاز می‌دانست. وقتی خلیفه دوم زمام امور را به دست گرفت، در تأمین هزینه‌های زندگی اش دچار مشکل شده بود و در این مورد با حضرت علی علیه السلام مشورت کرد، ایشان به او گفتند حاکم می‌تواند برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی اش از بیت المال استفاده کند (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۳/۳۰۷). البته خود آن حضرت در زمان حکومتشان از بیت المال به مقدار دیگران سهم می‌گرفتند و از دست‌رنج خود و پس‌اندازی که قبل از خلافتشان به دست آورده بودند استفاده می‌کردند.

۳- جبران کردن خطای قضات: بر اساس شرع اسلام اگر یک قاضی در دادن حکمش به‌طور سهوی اشتباهی بکند و خونی به ناحق ریخته شود؛ باید از بیت المال خسارت آن داده شود. حضرت علی علیه السلام هم این کار را انجام می‌داد و خسارت اشتباهات قضات را از بیت المال جبران می‌کرد.

۴- هزینه زندانیان: یکی دیگر از موارد مصرف بیت المال در دوره حکومت حضرت علی علیه السلام هزینه زندانیان بود. البته حضرت همیشه از بیت المال هزینه زندانیان را نمی‌دادند بلکه اگر آن شخص اموالی داشت از مال خودش هزینه‌های او را پرداخت می‌کرد و اگر اموالی نداشت آن وقت از بیت المال هزینه‌های او را می‌داد (ابویوسف، ۱۴۳۰: ۱۶۲).

مصرف عمومی که همان مصرف غیر اداری است شامل مصارفی می‌شد که نتیجه آن عاید همه مسلمانان و جامعه اسلامی شود. مصارف عمومی شامل مصارف فرهنگی و اجتماعی می‌شد. منظور از مصارف فرهنگی بیشتر قرائت قرآن بود. حضرت علی علیه السلام مردم را تشویق به قرائت قرآن می‌کرد و اعلام کرد هر کس آشکارا قرآن بخواند سالی دویست دینار به او داده خواهد شد و حتی گاهی اوقات برای ترغیب مردم به این کار بیشتر از این هم از بیت المال هزینه می‌کرد (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۸۵/۶؛ علی اکبری، ۱۳۹۰: ۲۴۳). منظور از مصارف اجتماعی، هزینه‌هایی است که برای رفاه عمومی جامعه به‌کار می‌رفت مثل تأمین معیشت و رفاه عمومی.

روش حضرت علی (ع) در توزیع بیت المال مستقیماً از دستورات قرآن و سنت پیامبر (ص) و اجتهادشان منشأ گرفته بود. این روش مبتنی بر تقسیم مساوی اموال بین همه مردم بود. البته در این تقسیم افرادی که از مسلمین فاصله داشتند مستثنا بودند و حضرت علی (ع) به کسانی که با دشمنان مسلمین همراهی می‌کردند، پولی نمی‌داد. چنان‌که هنگامی که قیس بن سعد بن عبادہ حاکم مصر بود به مردم خربتا که دل با معاویه داشتند مقرر داد؛ حضرت به قیس نامه نوشت که از مردم خربتا بیعت بگیرد گرچه منجر به جنگ شود (طبری، ۱۳۷۵: ۲۴۸۸/۶-۲۴۸۷). ایشان پیش از خلافت هم در تقسیم اموال به‌ویژه غنائم جنگ حساسیت زیادی داشت به طوری که این دقت حضرت مورد توجه پیامبر (ص) هم قرار گرفته و ایشان، امام علی (ع) را با هفت صفت می‌شناخت که باعث برتری حضرت بر دیگران می‌شد و سرآمدی در تقسیم مساوی بیت المال، یکی از آنان بود (محدث، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

در نظر حضرت علی (ع) مخارج آموزش و پرورش خانواده بالاترین درجه اهمیت را داشته است. در همین راستا امام هزینه‌های سنگینی را برای آموزش و مهارت مسلمین انجام داد (غفاری، ۱۳۸۸: ۲۰۹). حضرت علی (ع) محلی را برای شتران و گوسفندان گمشده تهیه کرده و نام آن را «مَرَبْد» گذاشت. ایشان علوفه این حیوانات را از بیت المال طوری می‌دادند که نه چاق و نه لاغر شوند. علت این دقت حضرت در علوفه حیوانات این بود که هم رعایت حال حیوان شده و هم از بیت المال اسراف نشده باشد. ایشان این حیوانات را تا زمانی که صاحبش بیاید و شاهد بیاورد و آن را ببرد نگهداری می‌کرد (لطیفی، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۵).

در دوره حکومت حضرت علی (ع) فقرا از رفاه نسبی برخوردار بودند. این رفاه نسبی به جهت توجه شخصی ایشان به این قشر و تأکید به کارگزاران حکومتی درباره آنان بود. فقرای جامعه مهم-ترین قشر از دیدگاه حضرت بودند. حضرت علی (ع) معتقد بود همه افراد ساکن در جامعه اسلامی چه مسلمان و چه غیر مسلمان باید در وضعیت اقتصادی مطلوب بوده تا بتوانند نیازهای اولیه معیشتی خود را تأمین کنند. از دید حضرت فقر باعث احساس حقارت فقرا شده و تبعات اجتماعی زیادی داشت. به‌کار بردن تعبیراتی مثل مرگ بزرگ، ناقص کننده دین، سرگردان کننده عقل و عامل دشمنی نشانه اهمیت فقر در نگاه حضرت است و برای همین مبارزه گسترده‌ای با فقر آغاز کردند. ایشان در اختصاص دادن منابع مالی عمومی فقرا را مورد توجه ویژه قرار داده و بخشی از اموال را برای رفع نیاز و فقر اقشار ضعیف جامعه اختصاص داد (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۰۸). ایشان در وصیت به امام حسن و امام حسین (ع) می‌فرماید: «خدا را! خدا را! اینطور نباشد که یتیمان گاهی سیر و گاه گرسنه بمانند، و حقوقشان ضایع گردد!» (نامه ۴۷). امام علی (ع) علاوه بر مسلمانان فقیر، برای اهل ذمه‌ای که فقیر و از کار افتاده بودند هم از بیت المال مقرر وضع کرد. روزی ایشان به سائلی

سالخورده و نابینا برخورد و از حال او پرسش کرد. اصحاب ایشان گفتند که فردی نصرانی است. امام علی علیه السلام از این حرف ناراحت شده و فرمود که در دوران جوانی از خدمات این مرد استفاده شده و حالا که پیر شده نباید به حال خودش رها شود و همان‌جا دستور داد از بیت المال زندگی او تأمین شود (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۶۶/۱۵؛ صدر، ۱۳۷۴: ۱۳۳). حضرت علی علیه السلام در دستورات حکومتی به کارگزارانشان همواره بر توجه به فقرا تأکید زیادی می‌کرد. ایشان در دستور حکومتی‌شان به مالک اشتر فرمود: «خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن‌داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین کرده است. بخشی از بیت المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن هستی [...] از یتیمان خردسال، و یران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است» (نامه ۵۳). هم‌چنین ایشان در نامه به قثم بن عباس فرماندار مکه بر تقسیم اموال بین نیازمندان و فرستادن اضافی آن به مرکز خلافت برای توزیع بین نیازمندان مرکز تأکید کرد: «در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است، اندیشه کن، و آن را به عیال‌مندان و گرسنگان پیرامونت ببخش، و به مستمندان و نیازمندی که سخت به کمک مالی تو احتیاج دارند برسان، و مازاد را نزد ما بفرست، تا در میان مردم نیازمندی که در این سامان هستند تقسیم شود» (نامه ۶۷).

امام علی علیه السلام در تقسیم غنایم مانند سایر اموال بیت المال هرگاه مالی از غنایم می‌رسید همه آن را تقسیم کرده و چیزی از آن را در بیت المال نگه نمی‌داشت؛ مگر این که تقسیم غنایم در همان روز امکان نداشت. شیوه ایشان در تقسیم غنایم هم برگرفته از شیوه رسول خدا بود. ایشان در تقسیم غنایم چیزی به خودشان و دوستان و خویشاوندانشان اختصاص نمی‌داد و آنان را بر دیگران ترجیح نمی‌داد. حضرت علی علیه السلام بعد از جنگ جمل غنایم جنگی را به مسجد بصره فرستاد و در میان یاران خود تقسیم کرد (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۸۹؛ منتظرالقائم، ۱۳۸۶: ۳۲۹). در همین جنگ عایشه را به بصره روانه کرد و دستور داد تا دوازده هزار درهم به او بدهند و عبدالله بن جعفر را مأمور این کار کرد (طبری، ۱۳۷۵: ۲۴۳۶/۶). ایشان غنایم جنگ‌ها را متعلق به کسانی می‌دانست که در جنگ‌ها حضور داشتند. البته حضرت علی علیه السلام مانند پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی را که به سبب مشکلاتی از جنگ‌ها باز می‌ماندند، از غنایم سهم می‌دادند؛ به عنوان مثال بعد از جنگ جمل که ایشان غنایم جنگ را میان یاران خود تقسیم کرد، یکی از یاران نزد ایشان آمد و گفت: «ای امیر مؤمنان من چیزی نگرفته‌ام و به فلان جهت از حضور بازمانده‌ام». حضرت علی علیه السلام پانصد درهم سهم غنایم خود را که به همه حاضران در این جنگ عطا کردند به او هم دادند (مسعودی، ۱۳۴۴: ۷۲۹/۱).

۴- رونق بخشیدن به بازار و جلوگیری از احتکار

حضرت علی (ع) به امر نظارت و بازرسی بر بازار توجه خاصی داشت. خود ایشان در بازارها حضور پیدا کرده و بازاریان را راهنمایی و از تخلفات آنان مثل فروش جنس نامرغوب و کم‌فروشی جلوگیری می‌کرد. علاوه بر آن حضرت برای توزیع مناسب کالاها در بازار افرادی را مأمور توزیع کالا کرد (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۷۷). حضرت علی (ع) شخصاً به دفعات در بازار کوفه به بررسی کالاهای مختلف می‌پرداخت. امیرالمؤمنین به حضور خود در بازار اکتفا نکرده و ناظرانی را هم برای نظارت بر بازار منصوب می‌کرد؛ به عنوان مثال ایشان، علی بن اصمغ را ناظر در میدان فروش کالاهای بصره کرد. در مواردی هم که نظارت بر بازار به طور درست انجام نمی‌شد، حضرت اصلاحاتی در آن انجام داد. همان طور که ایشان از قاضی اهواز خواست ناظر بازار این شهر را تغییر دهد (صدر، ۱۳۷۴: ۱۷۹). حضرت کالاها را قیمت‌گذاری نمی‌کرد ولی در صورتی که فروشنده‌ای کالایش را گران‌تر از قیمت متعارف عرضه می‌کرد با او برخورد می‌کرد؛ مگر این که کالای او مرغوب‌تر از دیگر کالاهای عرضه شده در بازار باشد. یکی دیگر از اقدامات مهم ایشان در مورد بازار دریافت نکردن اجاره از بازار مسلمانان بود (قلیچ، ۱۳۸۹: ۲۰۰). امام علی (ع) برای جلوگیری از تخلفات بازاریان آنان را موعظه می‌کرد که اصول اسلامی معامله را رعایت کنند تا از پاداش اخروی بهره‌مند شوند. ایشان هم‌چنین جلوی انحصارطلبی برخی از بازاریان را گرفت؛ برای نمونه هر کس که صبح زودتر در بازار مکانی را پیدا می‌کرد حضرت آن را تا پایان روز از آن او دانسته و جایگاه اختصاصی برای کسی قائل نبود. از طرفی دیگر ایشان دستور تخریب مغازه‌هایی را که در مکان ممنوعه ساخته شده بودند و هم‌چنین خانه‌های ساخته شده در حریم بازار را صادر کرد (صدر، ۱۳۷۴: ۱۷۱). امام علی (ع) به نوع کار توجه داشت و کارهایی را که از نیازهای اولیه زندگی مردم به‌شمار می‌آمد و نیازهای اولیه زندگی مردم را برآورده می‌کرد، بیشتر مورد توجه قرار می‌داد؛ از جمله می‌توان به مواد غذایی اشاره کرد که از راه فعالیت‌های کشاورزی و دامداری تهیه می‌شد و طبعاً از دید حضرت توجه به این فعالیت‌ها در اولویت بود. ایشان فعالیت‌های بازرگانان و تجار را تسهیل کرد. امام در فرمان مالک اشتر برای توجه به آنان و تسهیل فعالیت‌هایشان، به تنظیم امور بازار و رونق مبادلات هم توجه کردند.

جلوگیری از احتکار از مهم‌ترین کارهای حضرت برای رونق بازار بود. حضرت علی (ع) به کارگزارانش دستور داد تا از احتکار جلوگیری کنند. ایشان در نامه به مالک اشتر فرمود: «در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل و احتکار کننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند؛ این سودجویی و گران-فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا از آن جلوگیری می‌کرد». حضرت در ادامه علت منع احتکار را جلوگیری از زیان

رسیدن به عامه مردم دانسته فرمود: «باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده، تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن» (نامه ۵۳).

نتیجه

سیاست اقتصادی حضرت علی علیه السلام در امتداد سیاست اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. سیاست امام در تقسیم اموال مورد تأیید رسول خدا بود. مهم‌ترین سیاست‌های امام بر محورهای توجه ویژه به فقرا، عمران و آبادانی جامعه و آنچه بیش از همه در نهج البلاغه تأکید شده رعایت عدالت اقتصادی در دریافت و پرداخت حقوق مالی ساکنان جامعه اسلامی بود. با توجه به انحراف جامعه اسلامی در دوره پس از پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرش اقدامات عدالت محور امام علی علیه السلام برای برخی از اشراف دشوار بود؛ بر این اساس بخش زیادی از مشکلات امام به سبب توجه ایشان بر رعایت عدالت اقتصادی بود. طلحه و زبیر و برخی دیگر از یاران امام چون نتوانستند منفعتی از حکومت وی ببرند از او بریدند و برخی از آنها رو در روی امام ایستادند. یکی از راه کارهای امام علی علیه السلام در جهت رعایت عدالت اقتصادی نظارت دقیق بر کارگزاران و بررسی کار ایشان و برخورد قاطع با متخلفان بود. نامه‌های بسیاری در این مورد در نهج البلاغه وجود دارد. امام در استفاده از بیت المال بر خود و خویشانش سخت می‌گرفت و از این جهت نمونه‌ای برای کارگزاران خود بود. علی علیه السلام بر بازارها نیز نظارت می‌کرد؛ چنان‌که شخصاً بر بازار شهر کوفه نظارت داشت. از دیگر اقدامات مهم اقتصادی امام علی علیه السلام کمک به کشاورزان برای عمران و آبادانی بود. در گرفتن خراج هم ایشان می‌کوشید تا به گونه‌ای عمل کنند که مانع آبادانی نشود.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۸۶ش)، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات سیره.
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۴ش)، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم الأنصاری (۱۴۳۰)، الخراج، تحقیق محمد عبدالحفیظ المناصیر، عمان، دارکُنُوزِ المَعْرِفَةِ الطَّب.
- ابی عبید، القاسم بن سلام (۱۴۳۰)، کتاب الأموال، تحقیق محمد عماره، قاهره، دارالسلام.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳ش)، الغارات، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.
- چپرا، محمد عمر (۱۳۸۸ش)، «دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد»، در کتاب گفتارهایی در مالیه عمومی در اسلام، گردآوری محمود جولید، ترجمه داوود منظور، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل بیت لاحیای التراث.
- دنت، دانیل (۱۳۵۸ش)، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد، تهران، خوارزمی.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۱ش)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی.
- رضایی دوانی، مجید (۱۳۸۹ش)، مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه مفید.
- صادقی، جواد (۱۳۸۱ش)، اسرار احکام زکات از دیدگاه قرآن و روایات معصومین(ع)، تهران، فاخر.
- صدر، سید کاظم (۱۳۷۴ش)، اقتصاد صدر اسلام، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵ش)، تاریخ الطبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- علی اکبری، محمد حسین (۱۳۹۰ش)، سیاست‌های مالی امام علی(ع)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- غفاری، هادی (۱۳۸۸ش)، نظام اقتصادی صدر اسلام، تهران، دانشگاه پیام نور.
- قلیچ، وهاب (۱۳۸۹ش)، دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- لطیفی، مهدی (۱۳۸۱ش)، درس‌هایی از حفظ بیت المال در سیره عملی امام علی(ع)، قم، خوشرو.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء.
- محدث (بندرریگی)، علی (۱۳۸۰ش)، توزیع بیت المال از دیدگاه خلفا، تهران، فراکتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۴ش)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معمار، ثریا (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه شناسی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی(ع)»، فصلنامه شیعه شناسی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ص ۴۷-۷۸.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۶ش)، تاریخ اسلام (از آغاز تا سال چهارم هجری)، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- یعقوبی، احمد (بی تا)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

